

## گلستان حکمت

حکایتی که در این بخش روایت می شود ، هجدهمین حکایت از باب "در سیرت پادشاهان" است که حکایتی سرشار از تعالیم اخلاقی ، حکمت زندگی و سیاست مدن است.



به همت گروه ادب رادیو فرهنگ یکی از حکایت های گلستان سعدی را در قالبی نمایشی روایت می کند. حکایتی که در این بخش روایت می شود ، هجدهمین حکایت از باب "در سیرت پادشاهان" است که حکایتی سرشار از تعالیم اخلاقی ، حکمت زندگی و سیاست مدن است.

ملک زاده ای گنج فراوان از پدر میراث یافت دست کرم بر گشاد و داد سخاوت بداد و نعمت بی دریغ بر سپاه و رعیت بریخت

نیاساید مشام از طبله عود

بر آتش نه که چون عنبر ببوید

بزرگی بایدت بخشندگی کن

که دانه تا نیفشانی نروید

یکی از جلسای بی تدبیر نصیحتش آغاز کرد که ملوک پیشین مرین نعمت را به سعی اندوخته‌اند و برای مصلحتی نهاده دست ازین حرکت کوتاه کن که واقعه‌ها در پیش است و دشمنان از پس، نباید که وقت حاجت فرومانی.

اگر گنجی کنی بر عامیان بخش

رسد هر کدخدایی را به رنجی

چرا نستانی از هر یک جوی سیم

که گرد آید ترا هر وقت گنجی

ملک روی از این سخن به هم آورد و مرو را زجر فرمود و گفت مرا خداوند تعالی مالک این مملکت گردانیده است تا به خورم و ببخشم نه پاسبان که نگاه دارم

نوشین روان نمرد که نام نکو گذاشت

قارون هلاک شد که چهل خانه گنج داشت

عوامل برنامه :

سردبیر تهیه : فرهنگ جولایی

کارشناس مجری : رشید کاکاوند

راوی : ژاله صادقیان  
نویسنده : مجتبی گلستانی  
کارگردان : شهین علیزاده

لطفاً صبر کنید ...  
<form/>